

۱

رجال عصر پهلوی

حکایت حکمت

زندگی و زمانه

علی اصغر حکمت شیرازی

رضا مختاری اصفهانی



نشرنی

- سرشناسه: مختاری اصفهانی، رضا، ۱۳۵۳ -
- عنوان و نام پدیدآور: حکایت حکمت: زندگی و زمانه علی اصغر حکمت شیرازی / رضا مختاری اصفهانی
- مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۶.
- نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری: ۳۶۲ ص.
- فروست: رجال عصر پهلوی؛ ۱
- شابک: 978-964-185-533-0
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا
- عنوان دیگر: زندگی و زمانه علی اصغر حکمت شیرازی.
- موضوع: حکمت، علی اصغر، ۱۲۷۱-۱۳۵۹؛ سیاستمداران ایرانی - قرن ۱۴ - سرگذشتنامه
 14 - سرگذشتنامه Politicians, Iranian - 20th century
 Biography - وزیران - ایران - سرگذشتنامه Viziers
 Iran - Biography - ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۵۷-۱۳۰۴
 Iran - History - Pahlavi, 1925-1978
- رده‌بندی کنگره: DSR ۱۴۸۶ / ج ۸۲ م ۳ ۱۳۹۶
- رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۲۰۹۲
- شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۱۱۶۸۷

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان



رجل عصر پهلوی

۱

حکایت حکمت

زندگی و زمانه علی اصغر حکمت شراز

رضا مختاری اصفهانی

ویراستار الهام مهرابی

نمایه ساز فرزانه طاهری

چاپ اول تهران، ۱۳۹۶

تعداد ۱۰۰۰ نسخه

چاپ جاری

صحافی خلیج فارس

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۰ ۵۳۳ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreny.com

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۵	فصل اول: نقش زمانه
۱۷	وزارت به تقدیر
۲۰	وزیر متساهل
۳۳	افراط در اجرا
۳۹	فصل دوم: شجره حکمت
۴۱	سرای رندان
۵۰	از طغیان تا مصالحه
۵۵	خاندان حکمت
۶۳	فصل سوم: شوریدگی
۶۵	آشفته‌گی ناصری
۷۰	نزاع استبداد و مشروطه
۷۴	در میانه آشفته‌گی‌ها
۸۸	یا مرگ یا استقلال
۹۵	شیدایی و شوریدگی
۱۰۰	ترک یار و دیار

۱۰۷	فصل چهارم: طهران؛ شهر غریب
۱۰۹	تهران در بحران
۱۱۶	شهر مهاجران
۱۲۰	مدرسه آمریکایی
۱۲۲	زائر سرگردان
۱۲۶	سختی معیشت
۱۳۳	فصل پنجم: دولت و ترقی
۱۳۵	دولت مقتدر
۱۴۰	روزنامه‌نگاران سیاستمدار
۱۴۴	خدمات دولت
۱۴۷	ارتقا
۱۵۰	قرارداد ناکام
۱۵۴	کودتا و حکومت مقتدر
۱۵۶	داور و حکومت مقتدر
۱۶۲	ورود به سیاست
۱۶۷	جدایی از معارف
۱۷۵	فصل ششم: سنگلاخ قدرت
۱۷۷	حکمت و فروغی
۱۷۹	تأسیس دانشگاه
۱۸۶	دانشجویان شورشی
۱۹۲	توسعه معارف
۱۹۷	کاخ بلند پاریسی
۲۱۰	تربیت جسم
۲۱۳	غضب ملوکانه
۲۲۱	اعتدال در سیاست
۲۳۳	فصل هفتم: روزگار نو
۲۳۵	بازگشت به مشروطه

۲۳۶	وزارت‌های کوتاه
۲۴۱	سفیر فرهنگی
۲۴۳	در میانهٔ اختلاف شاه و نخست‌وزیر
۲۴۸	سفیری شایسته
۲۵۹	بازگشت به وزارت خارجه
۲۶۳	کوشش بیهوده
۲۷۵	فصل هشتم: میراث حکمت
۲۷۷	نمال فرهنگی
۲۷۹	پایان یک نسل
۲۸۱	یادگارهای جاودانه
۲۸۷	گاه‌شمار زندگی حضرت
۲۸۹	کتاب‌شناسی
۲۹۷	اسناد
۳۱۹	تصاویر
۳۳۳	نمایه

مقدمه

عیب می جمله چو گفتمی، هنرش نیز بگو
نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند
حافظ

حکایت حکمت حکایت یک نسل است، نسلی که از انقلاب مشروطه تا انقلاب ۵۷ را تجربه کرد. حوادثی که در این دوره ۷۵ ساله طی شد فراز و نشیب بسیار داشت، فراز و نشیبی که جنگ، اشغال کشور، هرج و مرج، کودتا، دیکتاتوری، فضای باز سیاسی، نوسازی فرهنگی و اجتماعی و... همراه بود. این اتفاقات هر از چندی نخبگان ایرانی را به بازنگری در مشروطه وامی داشت. گویی در هر برهه‌ای تجربه‌ای نو لازم بود. بعضی از این تجربه‌ها گامی به پیش بود و بعضی گامی به پس. گاهی هزینه‌هایی که برای این تجربه‌ها پرداخته می‌شد بسیار بود، چنان‌که آزادی اخبار سیاسی و مطبوعات هزینه نوسازی فرهنگی و اجتماعی شد. همین تجربه‌ها را هزینه‌ها بود که نسل برآمده از مشروطه یا فعال در این دوره را پخته ساخت. این نسل چون به مرحله پختگی رسید، کشتیان را سیاستی دیگر شد و اینان را به گوشه انزوا راند. رجالی چون سیدحسن تقی‌زاده، علی‌اصغر حکمت، قائم‌مقام‌الملک رفیع، حسین علاء، علی‌امینی و عبدالله انتظام که از تندبادهای حوادث و ناملایمات روزگار جان به‌در بردند و تجربه‌ها اندوختند، مجبور به عزلت و خاموشی شدند. در این میان تقی‌زاده، در مرتبه‌ای بالاتر، از این

بخت برخوردار بود که به سرنوشت تیمورتاش، نصرت الدوله فیروز، داور و سردار اسعد دچار نشد و توانست به تصحیح نظریات خود و تبیین نقشه راه نظام مشروطه سلطنتی بپردازد.

انقلاب ۵۷ اما تکمیل کننده ناکامی این نسل بود، نسلی که در پایان عمر خود با انقلابی مواجه شد که تمامی میراث مشروطه را با عنوان مرده ریگ سلطنت تقبیح و مذمت می کرد و مردان آن روزگار را بدون سنجش نیک و بد اعلان شای به باد دشنام و انتقاد می گرفت. شاید اگر علی اصغر حکمت هم در طایفه انقلاب در غروب زندگانی نبود، سر و کارش به دادگاه انقلاب و قضات انقلابی می افتاد. چون احساسات فضای انقلابی فروکش کرد و غبارهای مطلق بدیش و ونشست، کم کم عیار سنجش تغییر کرد. حیات و خدمت در دوره پهلوی ها دیگر ملاکی برای طرد و رد نبود. اسناد آن دوره به مرور مجال انتشار یافتند، آنچه برخی به تیغ تقطیع و برخی به تحلیل های ایدئولوژیک دچار شدند، اما همه آنی نبود که روایتگران ایدئولوژیک می خواستند. آدم ها و قضایات ها زمینی شدند و نیت خوانی های غیرواقعی از سکه اعتبار افتادند. هر چند هنوز از این دست روایت ها و قضایات ها وجود دارند، اما دیگر در منظر عموم جایگاه چندانی ندارند. از همین رو لازم است به بازنگری و بازخوانی گذشته بپردازیم، گذشته ای که هنوز با آثار و میراث آن زندگی می کنیم. و از تجربیات آن نسل که به هر تجربه ای دست یازید تا به آمال مشروطه برسد بهره ببریم. این مهم جز با پرهیز از پیش داوری و بازخوانی زمانه و کارنامه این نسل امکان پذیر نیست. از جمله سرآمدان این نسل که به نگرش و نگارش جدیدی از زندگی اش نیاز است علی اصغر حکمت شیرازی است، رجلی که در عرصه فرهنگ و سیاست سال های متمادی پادار بود. او در اواخر سلطنت ناصری دیده به جهان گشود و در دوره مشروطه در اوان جوانی بود. مشروطه جوانانی چون او را به عرصه سیاست سوق داد، چه سیاست در این دوره از دایره نخبگانی

خارج شده و توده‌ها را هم درگیر ساخته بود. مشروطه اما با همه امیدهایی که ایجاد کرد، در تلاطم دخالت‌های خارجی و اتحاد طیف‌های گوناگون طرفدار استبداد و هرج و مرج ناکام ماند. قطعات این ناکامی با پازل جنگ جهانی اول و اشغال کشور تکمیل شد. قحطی و ناامنی حاصل ناتوانی دولتمردان داخلی و دخالت‌های خارجی بود. چنین وضعیتی موجب شد تلاش برای ایجاد حکومتی مقتدر در اذهان نخبگان خلعجان کند، به‌ویژه نخبگانی که احساس می‌کردند مشروطه در شکستن عدم گردش نخبگان ناکام بوده است.

کودتای سرم اسفند ۱۲۹۹ برای این دست از نخبگان و جوانان که خواستار ورود به عرصه سیاست بودند، فضای مناسبی را فراهم ساخت. علی‌اصغر حکمت از جمله این جوانان بود که با فردی مانند علی‌اکبر داور، که از معتقدان به این نظر بود، ملاقات یافت. از این هنگام، جوانانی که از زمان مشروطه درگیر سیاست شده بودند و وارد حلقه قدرت شدند. حکمت که تا این زمان در وزارت معارف به مسمی اشتغال داشت، ترقی کرد و از کارگزاران آن شد. وزارتخانه معارف خانه اصلی او بود که از پایین‌ترین رده‌ها در آن آغاز به کار کرده و تجربه اندوختن بود. بر این اساس، او را می‌توان فردی شایسته برای تصدی این وزارتخانه دانست. هر چند، به‌جز وزارت معارف، در سمت‌های دیگر هم خلاق و فعال بود و سعی در نوآوری داشت. از همین رو داستان زندگی او سیری از تجربه دینی فردی در دوره پهلوی است. چرا که دولتمردی حکمت با دانش آمیخته بود و در هر عرصه‌ای از آموختن غافل نمی‌ماند. حکمت نماینده برجسته نسلی است که چون سلطنت پهلوی کارگزاری جدید یافت، از صحنه سیاست کنار رفت. نسل جدید کارگزاران برخلاف اینان چندان با فرهنگ ایرانی مأنوس نبود. همین ویژگی هم بود که سلطنت را از جامعه بیگانه ساخت.

نگارش حکایت حکمت از پیشنهاد محمد جمالی آغاز شد که نگارنده را

به نوشتن زندگی یکی از رجال تاریخ معاصر ایران ترغیب کرد. از آنجا که پیش از این، به پیشنهاد دبیر تاریخ مجله مهرنامه، بیژن مومیوند، بیوگرافی مختصری از علی اصغر حکمت را برای این مجله نوشته بودم، این رجل فرهنگی و دولتمرد پادار در عرصه سیاست را انتخاب کردم؛ چه یادداشت‌های پر دامنه و مفصل او از ایام زندگانی‌اش، از سن شانزده سالگی، منبعی مهم برای شناخت این شخصیت و دغدغه‌های ذهنی و فکری او به شمار می‌آید. با این همه، بدون آن‌که بخواهم نوشته‌های پیشین درباره او را نادید بگیرم، باید بگویم تا به حال نوشتاری مفصل در خصوص زندگی و زمانه او نگاشته نشده است. البته این سخن بدان معنا نیست که آن‌چه نوشته‌ام به کمال است. در این باره باید سپاسگزار باشم از علی اکبر علی اکبری بایگی که در اختیار نهادن برخی از کتاب‌های مورد نیاز، زحمت مراجعه‌ام را به کتابخانه رفع کرد و همچنین ایرج محمدی و بهنام صدری که با خواندن متن و نظرات اصلاحی به بهتر شدن کتاب کمک کردند. همچنین از دکتر موسی فقیه حقانی، رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، به جهت در اختیار نهادن تصاویری از آرشیو مؤسسه سپاسگزارم. جا دارد از مدیر محترم نشر نی که پیشنهاد نگارش مجموعه‌ای به عنوان «رجال عصر پهلوی» را داد و نیز ویراستار و کارکنان این مؤسسه بابت انتشار این کتاب به عنوان اولین مجلد از این مجموعه تشکر نمایم. از همسرم، سمیه افشاریان مقدم، سپاس دارم که همواره محیطی آرام برایم فراهم ساخته تا به علاقه مطالعاتی خود بپردازم و دخترم، ترنم، را بر همین سیاق پرورش می‌دهد. امید که ترنم بداند بدون گذشته آینده‌ای را نمی‌توان متصور بود.

رضا مختاری اصفهانی

بهار ۱۳۹۴